**چكيده**

**تعيين اهداف و تبيين روشهاى لازم، به عنوان دو مرحله از شكل گيرى يك نظام اقتصادى مطرح مى‏باشد. سومين مرحله، پرداختن به ابزارهايى جهت تحقق روشهاى مزبور و نيل به آن اهداف است.**

**نظام اقتصاد اسلامى با توجه به اهميت‏سومين مرحله، به معرفى ابزارهاى متناسب با اهداف و روشهاى كلى خود نيز پرداخته است. «قرض‏الحسنه‏» يكى از ابزارهاى مناسبى است كه جهت تحقق روش كلى «حرمت ربا» معرفى گرديده است. بديهى به نظر مى‏رسد كه تحليل و بررسى اين رفتار در غنى‏تر كردن ادبيات اقتصاد اسلامى مؤثر باشد.**

**مقدمه**

**ادبيات اقتصاد اسلامى كه سابقه آن به بيش از چند دهه اخير نمى‏رسد، نياز به تقويت از طريق تلاشهاى مستمر دارد. ارائه روشهاى مختلف جهت گسترش مباحث نوين، كمك شايانى در اين راستا مى‏نمايد. قرض‏الحسنه به عنوان يك رفتار اقتصادى كه از انگيزه‏هاى معنوى و اخروى نشات مى‏گيرد، در چند دهه گذشته مورد تجربه قرار گرفته است. به همين خاطر مى‏تواند به عنوان موضوعى در نظر گرفته شود كه زمينه استفاده از روش تجربى را در تبيين علم اقتصاد اسلامى مهياتر نمايد. اين در حالى است كه تلاشهاى گذشته در اين زمينه غالبا يا به مباحث فقهى - اقتصادى پرداخته و يا به تحليل مباحث اقتصاد اسلامى با استفاده از روش قياس اكتفا كرده‏اند.**

**اين نوشتار سعى دارد نخست‏با استفاده از منابع فقهى، روايى و تفسيرى كه از منابع شناخت وحيانى هستند، ماهيت قرض‏الحسنه را مورد توجه قرار دهد. اين مرحله زمينه ساز استفاده از تئورى‏هاى اقتصادى از طريق روش قياس براى پيش‏بينى آثار احتمالى قرض‏الحسنه مى‏باشد. با مشخص شدن ماهيت قرض‏الحسنه و آثار احتمالى آن مى‏توان شاخصهايى را تعيين نمود كه با آن بتوان تجارب كنونى مرتبط با قرض‏الحسنه را مورد بررسى قرار داد و در صورت امكان طرحى جهت‏بهبود آنها ارائه كرد. از ثمرات به دست آمده مى‏توان به اثرات مثبت قرض‏الحسنه در تامين اجتماعى، كاهش فاصله طبقاتى، مصرف، پس انداز و توزيع درآمد اشاره نمود. (3)**

**كليات**

**قرض در لغت‏به معناى قطع كردن با دندان مى‏باشد، بنابراين قرض نوعى از قطع كردن و جدا كردن است. زمانى گفته مى‏شود فردى به فرد ديگر قرض داده است‏يعنى مالى را كه او مى‏طلبد از خود جدا نموده و به او عطا كند (4) . در اصطلاح فقهى، قرض آن است كه كسى مال خود را به ديگرى تمليك كند، البته بدين صورت كه قرض گيرنده نسبت‏به اداى خود آن مال يا مثل آن و يا قيمت آن ضامن شود و تعهد نمايد. (5)**

**آياتى كه در آنها عنوان «قرض حسن‏» مشاهده مى‏شوند، عبارتند از: بقره / 245، مائده/ 12، حديد/ 11 و 18، تغابن/ 17، مزمل/ 20، اما اينكه بتوان از طريق اين آيات مطلوبيت قرض‏الحسنه را ثابت نمود مورد بحث است.**

**آنچه كه در اين تحقيق پذيرفته‏ايم: اگر چه مصداق اكثر آيات قرض حسن درباره انفاق در زمينه جهاد است ولى هيچ دليلى در محدود كردن مفهوم آيات، توسط مصداق وجود ندارد. لذا آيات مزبور شامل همه اعمال صالح از جمله قرض‏الحسنه مى‏باشد. با توجه به روايتى كه امام عليه السلام از وام دادن به مؤمن تعبير به «قرض حسن‏» مى‏كند، ممكن است نتيجه گرفت كه آيات مزبور ناظر بر «قرض‏الحسنه‏» نيز مى‏باشند. اما با توجه به آنچه كه از روايات به دست مى‏آيد مى‏توان گفت كه قرض دادن به مؤمن امرى مشروع و پسنديده است. البته ظاهر بعض روايات كه در مورد قرض گرفتن وجود دارد، دال بر اين است كه «قرض گرفتن‏» امر پسنديده‏اى نيست. با جمع بندى اين روايات مى‏توان گفت مصداق قرض ممنوع و ناپسند مورد پرداخت است: انسان براى برآوردن نياز غير ضرورى قرض كند و قرض بگونه‏اى بر او غلبه كند كه اطمينان داشته باشد نمى‏توان آن را ادا كند.**

**ماهيت و جايگاه قرض در اسلام**

**«قرض‏» و «قرض‏الحسنه‏»**

**قرض به عنوان يكى از عقود معاملاتى مطرح است و داراى احكام مخصوص به خود مى‏باشد [كه در آينده مورد بررسى قرار مى‏گيرد] متون دينى با امضاى اين قرار داد عقلايى براى صحت آن شرايطى را همچون بدون ربا بودن ذكر كرده‏اند. اما آنچه در اين جا به عنوان يك رفتار مورد بررسى قرار گرفته است «قرض‏الحسنه‏» مى‏باشد، كه نوع خاصى از قرض است. اگر چه قرض‏الحسنه نيز از جهت فقهى و حقوقى تحت عقد قرض مطرح است و همان احكام را دارد، اما تحقق آن شرايط خاصى دارد كه آن را از ديگر موارد قرض جدا مى‏سازد. «تاكيد روايات بر توجه داشتن قرض دهنده به ثواب اخروى و يت‏خدايى داشتن‏» همچنين «ناپسند بودن قرض گرفتن در نيازهاى غير ضرورى‏» از جمله اين شرايط مى‏باشد. بنابراين اگر چه «قرض‏الحسنه‏» داراى اركان «قرض‏» است، اما از جهت‏شرايط تحقق، لازم است جايگاه آن در بين ديگر رفتارهايى كه متون اسلامى براى يك مسلمان ترسيم نموده است، معين شود. توجه به تفاوت قرض و قرض‏الحسنه ما را در تحليل آثار اين رفتار كمك مى‏كند.**

**عناصر ماهيت قرض‏الحسنه**

**از آنجا كه قرض دهنده براى مدتى از تصرف مال خود چشم پوشى مى‏كند و در مقابل هم توقع دريافت هيچ گونه سودى ندارد، لذا اولين سؤالى كه در ذهن مى‏آيد اين است كه انگيزه اين رفتار اقتصادى چيست؟**

**انگيزه‏هاى احتمالى قرض دهنده عبارتند از: 1- پاداش اخروى 2- كسب اخلاق پسنديده (دورى از بخل) (6) 3- تعاون و هميارى (7) 4- پس انداز 5- كسب جايزه.**

**انگيزه اول صرفا اخروى و انگيزه دوم و سوم معنوى و انگيزه چهارم و پنجم صرفا مادى است، اما در مورد قرض گيرنده همچنانكه گفته شد، [بايد گفت آنچه در متون اسلامى مشاهده مى‏شود آن است كه] قرض گرفتن يك امر ناپسندى است، مگر آنكه در جهت رفع يكى از نيازهاى ضرورى [تكوينى همچون نياز به مسكن يا ازدواج، تشريعى مانند حج و يا اجتماعى مانند رعايت‏شان فرد در جامعه] از آن استفاده شود. با توجه به مطالب فوق دو مشخصه مهم قرض‏الحسنه يعنى «داشتن انگيزه معنوى يا اخروى براى قرض دهنده‏» و نيز «صرف آن در جهت رفع نياز ضرورى قرض گيرنده‏» نمايان مى‏شود. علاوه بر اين، بايد در نظر داشت كه با توجه به مضامين روايات اخذ هر گونه مبلغى فراتر از اصل مال، اگر چه با عناوينى همچون كارمزد، خسارت تاخير تاديه و جبران كاهش ارزش پول باشد كه از جهت‏حقوقى و فقهى نيز هيچ مشكلى ندارد، قرض را از قرض‏الحسنه دور مى‏نمايد.**

**آداب قرض‏الحسنه**

**آداب قرض‏الحسنه كه معمولا شامل مستحبات و مكروهات اين رفتار مى‏باشد، نقش تعيين كننده اى در شكل گيرى فرهنگ قرض‏الحسنه دارد.**

**هنگام انعقاد قرارداد: - قرض گيرنده نبايد نيت عدم باز پرداخت را داشته باشد. - سند مكتوبى تهيه شود كه در صورت نزاع، ملاك قضاوت قرار گيرد. - امكان اخذ وثيقه از قرض گيرنده وجود دارد.**

**هنگام باز پرداخت: - نسبت‏به اداى فورى دين تاكيد فراوان شده است. - تشويق به تمديد مهلت پرداخت وام در صورت عدم توانايى وام گيرنده و يا رجوع به دولت اسلامى. - در كيفيت اخذ وام شان وام گيرنده رعايت‏شود. - وام گيرنده، در صورت توانايى و تمايل، باز پرداخت را به صورت نيكوترى انجام دهد.**

**با وجود چنين فرهنگى در زمينه قرض‏الحسنه يكى از عمده‏ترين مشكلات قرض; يعنى عدم اطمينان قرض دهندگان در مورد باز پرداخت ديون خود; از بين مى‏رود.**

**رابطه قرض‏الحسنه با اجزاى ديگر اقتصاد اسلامى**

**يكى از عوامل مهم شناخت‏يك نهاد رفتارى، مقايسه رابطه آن با نهادهاى ديگر است.**

**رابطه قرض‏الحسنه و صدقه**

**در هر دو نوعى تعاون و يارى و ايثار و از خود گذشتگى مشاهده مى‏گردد. هر دو ابزارهايى جهت رفع نياز نيازمندان مى‏باشند. نيازمندان به دو قسم تقسيم مى‏شوند، گروه اول افرادى هستند كه اميد به باز پرداخت در وقت معين را ندارند. گروه دوم افرادى مى‏باشند كه به دليل برخوردارى از بعض امكانات، اطمينان به باز پرداخت دارند. فرهنگ اسلامى قرض‏الحسنه را بهترين ابزار در مورد گروه دوم مى‏داند. مطابق آنچه در روايات ذكر شده است قرض‏الحسنه در رفع فقر حقيقى و پنهان جامعه مناسبترين ابزار است (8) .**

**رابطه دولت اسلامى با قرض**

**اين رابطه در سه مورد نمايان مى‏شود:**

**1- اولين مورد رنگ حقوقى دارد و آن زمانى است كه قرض دهنده جهت وصول طلب خود به دولت مراجعه مى‏كند. دولت موظف است در صورتى كه تشخيص داد وام گيرنده توانايى دارد، او را وادار به باز پرداخت كند. (9)**

**2- دومين مورد زمانى است كه قرض گيرنده توانايى باز پرداخت نداشته و وام دهنده به دولت اسلامى مراجعه مى‏كند. در اين صورت، اگر دولت اسلامى از جهت مالى امكانات كافى داشته باشد، لازم است كه با وجود بعض شرايط وام او را ادا نمايد. (10)**

**3- سومين مورد بدين گونه بيان مى‏شود كه يك از اهداف توزيع در اقتصاد اسلامى رسيدن به عدالت اقتصادى و رفع فقر مى‏باشد. قرض ابزار كارايى در اين زمينه است.**

**رابطه قرض و عقود مشاركت**

**جايگاه يك رفتار در ميان رفتارهاى ديگر زمانى مشخص مى‏شود كه داراى خاستگاه معين باشد. غريزه سود طلبى و افزون طلبى از خصلتهاى فطرى بشرى است و اسلام نيز با سود مشروع مخالفت نكرده بلكه آن را تاييد و تشويق و هدايت نموده است. عقود مشاركت‏يكى از راههاى پيشنهادى اسلام براى پاسخ گويى به اين غريزه مى‏باشد. ولى بايد توجه داشت كه به دليل وجود نيازهاى ضرورى كه منشا آن مى‏تواند امور طبيعى يا اجتماعى باشد، مواردى وجود دارد كه وام گيرنده توانايى پرداخت‏سود را ندارد. از طرفى حس هميارى و تعاون كه ناشى از اجتماعى بودن بشر است، افراد توانگر را بر انگيخته تا در صدد رفع اين نيازها بر آيند.قرض‏الحسنه در چنين مواردى كارآترين ابزار مى‏باشد. طرد كلى قرض‏الحسنه در جامعه زمينه‏هاى بى عدالتى را به وجود مى‏آورد و البته عموميت دادن به آن در همه زمينه‏ها نيز مى‏تواند باعث ركود گردد.**

**بررسى آثار اجتماعى و اقتصادى قرض**

**صندوق تعاون (هميارى) يا معاونت (يارى) قرض**

**نهاد قرض مى‏تواند تحت دو سيستم مختلف به اجرا در آيد:**

**صندوق تعاون قرض: در اين سيستم قرض دهندگان كه از يك طبقه درآمدى هستند، وجهى را به عنوان سپرده در اختيار صندوق قرار مى‏دهند تا پس از جمع آورى، در صورت تحقق شرايط معين به اعضا وام داده شود.**

**صندوق معاونت قرض: در اين سيستم قرض دهندگان از طبقات درآمدى بالاترى هستند و جهت‏يارى رساندن به طبقات پايينتر درآمدى، با مسدود كردن موقت‏يا دائم نقدينگى خود، آنها را در اختيار صندوق قرار مى‏دهند تا به افراد خاص و يا افرادى كه صندوق تشخيص مى‏دهد، قرض بدهند. توجه به تفكيك اين دو سيستم از جهت كيفيت و كميت آثار، تفاوتهاى چشمگيرى دارند.**

**آثار اجتماعى قرض**

**تامين اجتماعى**

**تامين اجتماعى، پديد آوردن زمينه‏هايى است كه بر طرف كننده نيازهاى مادى و معنوى افراد جامعه باشد. (11) تامين اجتماعى برخاسته از ذات نظام سرمايه دارى نمى‏باشد و با اصل عدم مداخله دولت در بازار منافات دارد. اما براى مقابله با بحرانها، لزوم استفاده از آن مطرح شده است. در واقع استفاده از آن زاييده سير تحول نظام سرمايه دارى رقابتى به نظام سرمايه دارى مقرراتى است. (12)**

**اما در نظام اقتصادى اسلام كه بر اساس تعاون بنا مى‏شود، تامين اجتماعى از ذات نظام نشات مى‏گيرد. اين امر در قالب دو روش كفالت همگانى كه مسئوليت متقابل افراد جامعه نسبت‏به تامين نيازهاى حياتى همديگر مى‏باشد و مسئوليت دولت در تهيه سطح معيشت مناسب زندگى افراد جامعه يعنى سطحى فراتر از نيازهاى ضرورى شكل مى‏گيرد.**

**از آنجا كه يكى از اركان قرض‏الحسنه ضرورى بودن مورد آن مى‏باشد، لذا يكى از آثار اين نهاد، ايجاد امنيت اقتصادى است. در واقع افراد اجتماع مطمئن هستند كه در صورت وقوع حوادثى كه منجر به ضرورى شدن بعضى نيازها براى آنها گردد، نهاد قرض تامين كننده نيازهاى آنان مى‏باشد. اگر چه هر دو سيستم قرض داراى اثر تامين اجتماعى يعنى رفع نيازهاى جامعه مى‏باشند، اما به دليل آنكه در صندوق تعاون قرض تمام افراد عضو، در جمع آورى وجوه نوعى مشاركت دارند، لذا اين سيستم با سيستمهاى تامين اجتماعى كنونى شباهت زيادى دارد. در واقع افراد مى‏توانند با انگيزه‏هاى مختلف، همچون پيش‏بينى جهت رفع نيازهاى مربوط به دوران سالخوردگى، ازدواج، هزينه تحصيلات فرزندان و... اقدام به تشكيل چنين صندوقهايى بكنند. اين صندوقها نيز متعهد مى‏گردند كه در صورت تحقق زمينه چنين نيازهاى ضرورى مطابق با اولويتهايى كه معين مى‏كنند، به آنها قرض بدهند.**

**كاهش فاصله طبقاتى**

**نهاد قرض مى‏تواند جريان پول را از بين طبقات ثروتمند به سمت طبقات كم در آمد سوق داده و در جهت تثبيت در بين آنها و عدم تمركز ثروت، نقش فعالى داشته باشد.**

**صندوق تعاون قرض به افراد عضو اين امكان را مى‏دهد كه پس‏اندازهاى كوچك خود را به صورت كار آيى در جهت رفع نيازهاى اساسى خود به كار گيرند. به همين سبب، با اتخاذ چنين شيوه‏اى طبقات كم درآمد امكان استفاده بيشتر از امكانات موجود را پيدا مى‏كنند و فاصله بين فقير و غنى كاسته مى‏شود. بنابر اين، نهاد مزبور از اين جهت در رفع فقر نسبى مؤثر است.**

**در نهاد معاونت قرض با توجه به اينكه ثروتمندان اقدام به قرض دادن مى‏كنند، لذا رفع فاصله طبقاتى از دو جهت صورت مى‏گيرد.**

**- با اين اقدام امكان تصرف اغنيا و در نتيجه از روند تشديد فاصله طبقاتى كاسته مى‏شود.**

**- با استفاده وجوه در ايجاد امكانات براى طبقات كم در آمد در واقع از مقدار فاصله طبقاتى موجود نيز كاسته مى‏شود.**

**به همين خاطر است كه مى‏توان نتيجه گرفت: همچنانكه صندوق تعاون قرض در جهت تامين اجتماعى مؤثرتر واقع مى‏شود، چنين انتظار مى‏رود كه صندوق معاونت قرض در زمينه فقر زدايى تاثير بيشترى داشته باشد.**

**آثار اقتصادى قرض**

**الگوى فرضى قرض - مورد قرض پول باشد. - قرض گيرنده از نيازمندان باشد يعنى بلافاصله بعد از قرض اقدام به خرج كردن آن كند. - قرض همراه با مدت باشد، يعنى بلافاصله طلب نشود. - باز پرداخت‏به صورت كامل صورت مى‏گيرد. - هيچ گونه زياده‏اى از قرض گيرندگان دريافت نمى‏شود و هيچ گونه زياده‏اى به وام دهندگان پرداخت نمى‏شود.**

**اين قروض براى ساده سازى و بر مبناى آنچه كه پيش از اين مطرح شد، اخذ شده است.**

**اثر قرض بر مصرف (13)**

**ثروت، درآمد دايمى و توزيع در آمد را مى‏توان از مهمترين عوامل مؤثر بر مصرف شمرد. اقتصاددانان اين حقيقت را كه ثروت بيشتر، مصرف بيشتر مى‏طلبد، «اثر ثروت‏» مى‏نامند. به طور طبيعى ثروت از سالى به سال ديگر تغيير عمداى نمى‏كند. بنابر اين اثر ثروت در دراز مدت ظاهر مى‏گردد (14) . در آمد دايمى عبارت از ميزان با ثباتى از مصرف است كه شخص با توجه به سطح ثروت جارى و درآمدى كه اكنون و در آينده كسب مى‏كند، مى‏تواند براى بقيه زندگى خود حفظ نمايد. فرضيه درآمد دائمى فريدمن اينگونه بيان مى‏دارد، كه اگر تغيير در آمد، هميشگى محسوب نشود (مانند افزايش حقوق)، به طور معمولى مردم نسبت‏بزرگى از افزايش درآمد را مصرف مى‏كنند. از طرف ديگر اگر تغيير درآمد موقتى محسوب شود (مثلا به عنوان پاداش باشد) نسبت مهمى از تغيير درآمد پس‏انداز مى‏شود. اين پس‏انداز مى‏تواند به شكل خريد كالاهاى مصرفى بادوام كه بخشى از موجودى ثروت خانوارها به شمار مى‏آيد (15) ،صورت پذيرد.**

**در مورد توزيع درآمد نيز بايد گفته شود تاثير تعديل در توزيع درآمد بر افزايش مصرف از طريق انتقال تابع مصرف يك امر كلى نمى‏باشد. بلكه بستگى به شيوه «توزيع مجدد درآمد» (16) دارد. اگر توزيع مجدد درآمد از طريق كمكهاى بلاعوض باشد، تحقق چنين انتقالى انتظار مى‏رود. اما اگر از طريق وام و ايجاد بدهى باشد، با توجه به تلاش قرض گيرنده براى رهايى از بدهى احتمالا تاثير زيادى بر مصرف كل نخواهد داشت.**

**با توجه به مطالب فوق و آنچه كه قبلا بيان شد مى‏توان گفت‏به دليل كراهت قرض گرفتن، فرد مسلمان تمايل دارد كه جريان درآمد دايمى خود را بر مبناى طريق طبيعى كسب درآمد (يعنى توليد و افزايش ارزش افزوده) قرار دهد. اما قرض در شرايط خاص و در مورد ضرورى راهگشاى مشكلات او مى‏باشد. (17) چنين ذهنيتى باعث مى‏شود كه فرد مسلمان قرض را به عنوان يك درآمد دايمى نداند بنابراين، از اين جهت قرض تاثيرى بر تابع مصرف فرد نخواهد داشت. البته از آنجا كه وام گيرنده قرض را درآمد گذرا دانسته و اقدام به خريد كالاهاى مصرفى بادوام مى‏كند، امكان دارد كه از اين طريق با بالا رفتن ثروت، مصرف نيز افزايش يابد. اما همچنانكه گفتيم چون اين افزايش ثروت از طريق وام است لذا فرد بايد قسمتى از درآمد جارى آينده را به باز پرداخت اختصاص دهد. بنابراين تاثير قرض بر مصرف از جهت تغيير ثروت بستگى به كيفيت‏باز پرداخت وام و نيز منبع جبران اين باز پرداخت دارد. در اينجا لازم است‏با رعايت اختصار، اشاره‏اى به اثر ديگر «قرض‏» نمود. با توجه به مكانيسم تثبيت كننده‏هاى خودكار اقتصادى و نيز با در نظر گرفتن «الگوى فرضى قرض‏»، در صورت فراگيرى و قانونمند شدن اين رفتار، مى‏توان پيش بينى نمود كه اين الگو بتواند آثار مربوط به مكانيسمهاى تثبيت كننده‏هاى خودكار را داشته باشد. (18)**

**اثر قرض بر پس‏انداز**

**پس‏انداز را مى‏توان به تاخير مصرف از حال به آينده تعريف كرد. پس‏انداز مى‏تواند به صورت قراردادى يا تعهدى (مانند اقساط بيمه عمر); افزايش داراييهاى نقدى (مانند سپرده‏گذارى در بانكها); سرمايه‏گذارى مستقيم در لوازم كسب و كار و تصفيه تعهدات يا پرداخت ديون صورت گيرد. (19) براى بررسى جايگاه پس‏انداز در رفتار افراد بايد اشاره‏اى به نقش پيش بينى‏ها بشود. پيش بينى، به بررسى وضع آينده در حال اطلاق مى‏شود. كينز تعادل اقتصادى را از نظر زمان بر مبناى پيش بينى استوار كرده است. پيش‏بينى در دو مرحله صورت مى‏گيرد:**

**- پيش بينى جهت تقسيم درآمد به مصرف و پس‏انداز**

**- پيش بينى جهت تقسيم پس‏انداز به سرمايه‏گذارى و كنز (20)**

**در مرحله اول در مورد اين تصميم مى‏گيرد كه چه مقدار از درآمد خود را براى مصرف حال از دست‏بدهد. پس از تعيين اين مقدار، باقيمانده مصرف از درآمد پس‏انداز محسوب مى‏شود، اگر چه در آينده باز دهى داشته يا نداشته باشد. سطح درآمد و نيز ميل به مصرف در اين مرحله نقش تعيين كننده‏اى دارند. در مرحله بعد فرد تصميم مى‏گيرد، چه مقدار از پس‏انداز را براى كسب بازدهى احتمالى در بخش سرمايه‏گذارى اختصاص داده و چه مقدار را نزد خود نگهدارى كند. در اين مرحله سود نهايى سرمايه و نيز نرخ بهره نقش اساسى را به عهده دارد.**

**از طرف ديگر چون پس‏انداز آن قسمت از درآمد است كه خرج نمى‏شود و از جريان درآمدى خارج مى‏گردد، يكى از مشكلات مربوط به پس‏انداز، باز گرداندن آن به چرخه درآمد مى‏باشد. اين امر از طريق پس‏انداز منفى عده‏اى كه بيش از درآمد جارى خود خرج مى‏كنند و يا سرمايه‏گذارى، قابل دستيابى است.**

**جايگاه قرض در رفتار قرض دهنده و قرض گيرنده**

**يك فرد مسلمان پس از كسب درآمد قسمتى از آن را جهت رفع نيازهاى مصرفى خود صرف مى‏نمايد. بنابراين در مرحله اول تصميم مى‏گيرد كه چه مقدار از درآمد خود را اختصاص به زمان حال بدهد. از آن جهت كه اين قسمت از درآمد به آينده منتقل نمى‏شود، لذا پس‏انداز محسوب نمى‏گردد. البته در اين مرحله، سطح درآمد و نيز ميل نهايى او به مصرف كه ناشى از عوامل برونزايى همچون سليقه او مى‏باشد مؤثر هستند. مقدار انفاقات و صدقات كه ناشى از انگيزه‏هاى معنوى و اخروى او مى‏باشد در اين مرحله، مطرح است.**

**در مرحله بعد او بايد در مورد قسمت‏باقيمانده درآمد كه به آينده منتقل شده تصميم بگيرد. در واقع با توجه به عدم مشروعيت اخذ بهره و نيز مطلوب نبودن عدم به كارگيرى آن در جريان اقتصاد، دو راه در پيش روى دارد.**

**الف - جهت كسب باز دهى معنوى و اخروى آن را قرض بدهد.**

**ب - به خاطر كسب سود مشروع آن را از طريق مشاركت‏به سرمايه‏گذارى اختصاص دهد.**

**سهم قرض از درآمد به پيش بينى فرد از نرخ سود آينده و نيز سليقه او كه ناشى از كيفيت انگيزه‏هاى معنوى و اخروى وى مى‏باشد، بستگى دارد. (21) بايد توجه داشت كه از ديدگاه فرد مسلمان، قرض از آنجا كه ده يا چندين برابر باز دهى معنوى و اخروى دارد، يك فعاليت توليدى معنوى محسوب مى‏شود. قرض گيرنده نيز اگر مبلغ وام را جهت توليد به كار گيرد، قرض را تبديل پس‏انداز به سرمايه‏گذارى مى‏داند، و اما اگر قرض از نوع مصرفى باشد، در شرايط كنونى به طور اغلب در جهت‏خريد كالاى مصرفى بادوام صرف مى‏شود و اين به معناى افزايش مخارج مصرفى (و نه مصرفى) مى‏باشد. بنابراين قرض از ديدگاه قرض گيرنده، پس‏انداز از طريق تصفيه تعهدات يا پرداخت ديون مى‏باشد. از آنجا كه موارد قرض معمولا كالاهاى مصرفى بادوام (در قرض مصرفى) و يا كالاهاى سرمايه‏اى (در قرض توليدى) مى‏باشد مى‏توان پيش‏بينى كرد كه كاركرد اين نهاد موجب افزايش پس‏انداز ملى نيز گردد. از مزاياى قرض‏الحسنه به عنوان يك منبع پس‏انداز مى‏توان موارد ذيل را برشمرد:**

**- تحقق نيافتن هيچ گونه نشستى در اقتصاد توسط قرض‏الحسنه (به دليل معيار نيازمند بودن وام گيرنده و استفاده بى‏درنگ او)**

**- به جريان افتادن وجوه راكد.**

**- تاثير قرض بر تثبيت اقتصادى از طريق تاثير آن بر پس‏انداز ملى.**

**- استفاده از انگيزه‏هاى معنوى جهت افزايش پس‏انداز.**

**اثر قرض بر توزيع درآمد**

**اسلام بر خلاف نظام سرمايه دارى كه علت اصلى مشكلات اقتصادى را محدود بودن منابع طبيعى از يك طرف و نيازهاى متنوع انسان از طرف ديگر مى‏داند، ريشه اساسى مشكلات مزبور را توزيع ناعادلانه و سهل انگارى در استفاده صحيح از منابع طبيعى مى‏داند. (22) به همين سبب، نظام اقتصادى اسلام به توزيع درآمد در تمامى مراحلش (قبل از توليد، بعد از توليد و توزيع مجدد) براى رفع اين مشكلات اهميت داده است.**

**در اقتصاد سرمايه دارى توزيع درآمد در دو مكانيسم صورت مى‏گيرد:**

**- مكانيسم بازار: كه سهم هر يك از سرمايه، كار و زمين به عنوان عوامل اساسى توليد از طريق عرضه و تقاضاى آن در بازار تعيين مى‏شود.**

**- مكانيسم غير بازار: عدم تعادلهاى ناشى از مكانيسم بازار دولتها را ناچار به مداخله از طريق توزيع مجدد درآمدها مى‏نمود.**

**توزيع مجدد در آمدها موجب انتقال قسمتى از درآمدهاى اخذ شده در دو جهت: «عمودى‏» و «افقى‏» مى‏شود. توزيع مجدد درآمدها در جهت عمودى انتقال قسمتى از درآمد طبقات ثروتمند به طبقات كم درآمد است. اما توزيع مجدد در جهت افقى، در داخل خود گروههاى اجتماعى كم درآمد صورت مى‏گيرد. براى اينكه توزيع مجدد درآمد داراى اثرات مثبتى باشد لازم است كه منجر به انتقال واقعى قدرت خريد به گروههاى كم درآمد و خرج آن در داخل اقتصاد ملى گردد و نيز عرضه محصولات مورد تقاضا داراى كشش پذيرى لازم بوده باشد تا موجب افزايش قيمت نگردد. همچنين توزيع مجدد درآمد نبايد سبب انتقال اختيارات درآمد و ثروت افراد به دولت‏شود. بلكه بايد وسيله تامين هزينه استهلاك نيروى انسانى و بهبود كارآيى آن و رفاه گروههاى كم درآمد گردد. به طور كلى اجراى سياستهاى توزيع مجدد درآمد، تحت‏شرايط فوق هميشه مفيد و مؤثر و در جهت عدالت اجتماعى خواهد بود. (23)**

**اسلام مطلوب نهايى در توزيع درآمد را مواسات و ايثار مى‏داند. طريقى را كه اسلام در اين مورد در پيش گرفته است، مبتنى بر مبانى زير مى‏باشد:**

**- احترام به حق مالكيت‏خصوصى با آزادى اقتصادى در محدوده معين**

**- حق عموم مردم در منابع طبيعى قبل از توليد**

**- حق فقرا در اموال اغنيا**

**- حق مالكيت‏بر هر يك از عوامل توليد**

**معيارهاى توزيع در هر نظام اقتصادى بر اساس مبانى فكرى آن نظام تعيين مى‏شود. در اسلام، «كار» و «نياز» به عنوان دو معيار توزيع مطرح مى‏باشند. (24)**

**قرض و توزيع درآمد**

**از آنجا كه وام دهنده قسمتى از درآمد قابل تصرف خود را به اين امر اختصاص مى‏دهد، لذا مى‏توان گفت كه قرض بعد از تحقق توزيع درآمد، توسط مكانيسم بازار و نيز بعد از اجراى سياستهاى مالى دولت كه يكى از سياستهاى توزيع مجدد درآمدها مى‏باشد، مطرح است. در مورد توجيه اقتصادى تاثير قرض بر توزيع درآمد، مى‏توان دو گونه نگرش را مطرح نمود. در نگرش خرد، مى‏توان گفت كه فرد در صورتى كه در ابتداى دوره اول در جهت رفع نياز ضرورى خود اقدام به گرفتن وام نمى‏كرد، بايد صبر مى‏كرد و با پس‏انداز كردن در انتهاى اين دوره اقدام به برآورده كردن نياز مصرفى خود مى‏كرد. به همين سبب، در واقع بدون قرض، به اندازه يك دوره از مصرف او كاسته مى‏شود. اما اگر قرض بگيرد، قادر است از ابتداى همان دوره اول بر مصرف خود بيفزايد، اگر چه لازم است‏با اختصاص پس‏انداز خود، باز پرداخت وام را در انتهاى دوره انجام دهد. بنابراين با نگرش خرد، قرض بر زمان مصرف او در طول زندگى‏اش مى‏افزايد.**

**اما در نگرش كلان بايد به نوع سيستم قرض توجه نمود. از آنجا كه صندوق تعاون قرض بين افرادى تشكيل مى‏شود كه داراى سطح درآمد يكسانى هستند، مى‏توان انتظار داشت كه اثر آن به صورت افقى مى‏باشد. در واقع اين سيستم باعث مى‏شود، درآمدى كه در هر دوره به طبقات كم درآمد اختصاص مى‏يابد در اثر تبديل به كالاى بادوام در همان طبقه تثبيت‏شده و به طبقه ديگر منتقل نگردد.**

**اما صندوقهاى تعاون قرض اثر طولى بر توزيع درآمد دارد، زيرا در اين سيستم اغنيا قسمتى از مال خود را جدا كرده و به فقرا اختصاص مى‏دهند. البته در صورت استمرار فعاليت اين صندوق، جريان مداوم ثروت از اغنيا به نيازمندان قابل پيش بينى است. بنابراين در هر مقطع زمانى ملاحظه مى‏شود كه سهمى از درآمد اغنيا در اختيار نيازمندان قرار دارد، اگر چه در مقطع بعد بايد باز پرداخت‏شود. (25)**

**البته اگر چنين حالتى همراه كشش پذيرى عرضه و قابليت توليدى آزاد در زمينه كالاهاى ضرورى باشد، اثرات مثبت در تحقق عدالت اجتماعى- اقتصادى دارد. در غير اين صورت، با بالا رفتن تقاضا براى اين كالاها افزايش قيمتها به وجود آمده و اثرات توزيعى قرض خنثى مى‏گردد. با توجه به اهدافى كه براى دولت اسلامى در زمينه عدالت اجتماعى تعيين گرديده است، دولت موظف به ايجاد چنين قابليتهايى مى‏باشد.**

**اثر قرض بر بخش پولى اقتصاد**

**تاثير قرض بر بخش پولى بنابر «معادله مقدارى‏» (26) و تعريف عرضه پول، از طريق بررسى اثر آن بر سه مؤلفه «پايه پولى‏» (27) ، و «سرعت گردش پول‏» (29) تعيين مى‏شود. ممكن است اين نظريه مطرح شود كه قرض‏الحسنه باعث افزايش عرضه پول شده و در نتيجه بر سياستهاى پولى دولت اثرات سويى داشته باشد. با توجه به تعريف هر يك از اين سه مؤلفه و نيز ماهيت قرض‏الحسنه، مى‏توان به رد يا اثبات اين نظريه پرداخت. اما در اين مختصر به دليل اهميت امكان تاثير قرض بر بخش پولى از طريق «ضريب تكاثرى پول‏» فقط به اين مورد اشاره مى‏شود. ضريب تكاثرى پولى در مكانيسم «روند خلق پول‏» تحقق مى‏يابد. قبل از تبيين اين مكانيسم لازم است فروض ذيل در نظر گرفته شود:**

**- تمامى معاملات از طريق پول تحرير صورت مى‏گيرد.**

**- مؤسسه درصدى از سپرده‏هاى مردم را، (Ya) به عنوان «ذخيره اندوخته‏» محافظت مى‏كند.**

**اگر از طريق حسابهاى جارى، افراد a واحد پول (اسكناس و مسكوك) وارد شبكه بانكى شود، بانك مى‏تواند پس از كسر ذخيره قانونى آن، مبلغ باقيمانده، [(1 - Ya) a] از طريق حسابهاى جارى كه اشخاص ديگر دارند به صورت وام و اعتبار در اختيار آنان قرار دهد. با توجه به فرض اولى كه گفتيم، دريافت كنندگان وام و اعتبار مى‏بايستى مبلغ دريافت نشده را به صورت سپرده در حساب جارى خود بگذارند و سپس با صدور چك نسبت‏به استفاده از آن اقدام نمايند. بانك مجددا مى‏تواند قسمتى از اين سپرده را پس از كسر ذخيره قانونى به متقاضيان ديگر وام دهد. مجموع سپرده‏هاى فوق به صورت: AD ح a/Ya مى‏باشد. اين رابطه دلالت‏بر اين دارد كه هر قدر ضريب اندوخته مؤسسه پولى كمتر باشد قدرت خلق پول مؤسسه بيشتر خواهد بود. با توجه به فرض عدم زياده در نهاد قرض و نيز صفر بودن قروض باز پرداخت نشده، پيش بينى مى‏شود ميزان ذخاير مازاد در اين نهاد متمايل به صفر باشد. بنابراين نهاد قرض قدرت فراوانى در خلق پول خواهد داشت. اما نكته بسيار مهم اين است كه شدت جريان فزاينده پول تنها به ضريب اندوخته بستگى ندارد، بلكه در جهت نزولى تحت تاثير «فرار از اين مدار» نيز مى‏باشد. در واقع اين پديده خود كار محض نيست و بر اساس تصميمات گوناگون عاملان اقتصادى عمل مى‏كند. نخستين عامل فرار همانا تمايل مشتريان به حفظ داراييهاى نقدينه به شكل اسكناس يا پول قانونى ديگر مى‏باشد. در اين حالت اگر b ضريب رجحان نقدينگى باشد، مجموع سپرده‏ها به صورت:**

**AD ح a\*1/[1-(1-Ya)(1-b)] mm ح 1/[1-(1-Ya)(1-b)]**

**مى‏باشد. از آنجا كه در نهاد قرض، وام گيرندگان از نيازمندان بوده و بى‏درنگ پس از دريافت وام اقدام به خرج كردن آن مى‏نمايند، لذا پيش بينى مى‏شود ضريب رجحان نقدينگى در مورد اين نهاد تقريبا برابر يك باشد: b ح 1 ;بنابراين: AD ح a[1/(1-0)] ح a پس در الگوى مفروض قرض الحسنه، هيچ گونه افزايش پول صورت نمى‏گيرد.**

**بررسى كاركرد تشكيلات مرتبط با قرض**

**پس از آشنايى با ماهيت قرض‏الحسنه و بعضى آثار احتمالى كه نتيجه مباحث پيشين مى‏باشد، لازم است كه بررسى مختصرى از فعاليتهاى مرتبط با قرض‏الحسنه در اقتصاد ايران، صورت گيرد.به همين خاطر از طريق بررسى اجمالى تجارب گذشته قرض‏الحسنه توسط سه نهاد; كميته امداد امام خمينى، بانكدارى بدون ربا و صندوقهاى قرض‏الحسنه، به محاسن و معايب آنها مى‏پردازيم.**

**در پايان مشاهده مى‏شود، نقص اساسى فعاليتهاى گذشته، فقدان يك نظام هماهنگ كننده براى اين فعاليتها مى‏باشد. بنابراين، طرحى پيشنهاد مى‏شود كه در آن استعدادهاى كنونى هر سه نهاد با توجه به محاسن و اهداف آنها مورد استفاده قرار گيرد و فعاليتهاى موجود نيز كنترل و به ماهيت قرض‏الحسنه نزديكتر شود.**

**كميته امام خمينى و پرداخت وام**

**توجه به عملكرد اين كميته از دو جهت داراى اهميت است اولا: رشد پيوسته و نسبتا هماهنگ منابع جمع آورى شده توسط صندوقهاى صدقات كميته امداد در سالهاى 71، 72، 73، 74 نسبت‏به سال پايه [سال 70] كه به ترتيب 9/50 و 5/145 و 2/298 و 5/496 درصد مى‏باشد، (30) نشان مى‏هد اين صندوقها ابزارهاى مناسبى جهت‏بروز انگيزه معنوى مردم نسبت‏به صدقه دادن و همچنين با ثبات كردن اين رفتار مى‏باشد. از آنجا كه در صدقات صاحبان وجوه از اصل سرمايه خود مى‏گذرند، بديهى است در صورت وجود انگيزه معنوى براى صدقه در يك جامعه، مى‏توان پيش‏بينى كرد انگيزه‏هاى معنوى براى قرض‏الحسنه كه در آن فقط از سود مى‏گذرند، بيش‏تر وجود دارد.**

**ثانيا: اگر چه كميته امداد در جمع آورى وجوه از قرض‏الحسنه به عنوان ابزار استفاده نمى‏كند، اما در تخصيص منابع از اين ابزار بهره مى‏برد. از سال 1370 تا 1373 به طور متوسط سالانه 8/35% بر تعداد وام گيرندگان و 8/6% بر مبلغ وامها افزوده شده است. (31) روند مزبور نشان دهنده افزايش به كارگيرى قرض‏الحسنه مى‏باشد. به طور متوسط از سال 70 تا 74 متوسط وام پرداختى سالانه 7/18% افزايش يافته است.**

**نكاتى درباره كارآمدى قرض‏الحسنه در فعاليتهاى كميته امداد امام خمينى:**

**- كميته مزبور در زمينه جمع آورى وجوه قرض‏الحسنه فعاليتى ندارد.**

**- در سالهاى 72 تا 74 شاخصهاى قيمت‏به طور متوسط سالانه بيش از 35% افزايش داشته است. (32) در حالى كه متوسط وام پرداختى در اين كميته چنانكه گفتيم، 7/18% افزايش داشته است.**

**- خط فقر شاخص مناسبى براى شناخت فقر مطلق است. اگر متوسط وام پرداختى سالانه از خط فقر پايين‏تر باشد مى‏توان پيش بينى كرد كه هنوز توانايى و قابليت قرض‏الحسنه در كميته امداد به اندازه مطلوب جهت رفع فقر نرسيده است.**

**جدول شماره 1 : جدول مقايسه‏اى خط فقر و متوسط وام پرداختى كميته امداد امام خمينى**

**خط فقر شهر (سال 1371- 280815) (سال 1372- 358759) (سال 1373- 481995) متوسط وام پرداختى (سال 1371- 210123) (سال 1372-255769) (سال 1373- 284804**

**اقتباس از: - پژويان، جمشيد، فقر، خط فقر و كاهش فقر [مقاله]، مجموعه مقالات گردهمايى فقر و فقرزدايى، سازمان برنامه و بودجه، 1375**

**- گزارش آمارى سال 1374 كميته امداد امام خمينى; كميته امداد امام خمينى; معاونت پژوهش و برنامه ريزى، اداره كل آمار، تحقيق و خدمات ماشينى; ص 224**

**قرض‏الحسنه در بانكدارى بدون ربا**

**آنچه كه در قانون عمليات بانكدارى بدون ربا تحت عنوان قرض‏الحسنه آمده است، فقط شامل شرايط عقد قرض است، در حالى كه قرض‏الحسنه داراى شرايط مازادى، از جمله ناشى شدن از انگيزه‏هاى معنوى و اخروى مى‏باشد اما در اين سيستم هم در جذب منابع و هم در تخصيص آن از قرض به عنوان يك ابزار استفاده شده است.**

**عملكرد عقد قرض‏الحسنه در بانكدارى بدون ربا**

**- در بخش جذب منابع مشاهده مى‏شود اگر چه در طى سالهاى 1363 - 1374 مقدار مطلق قرض‏الحسنه پس‏انداز داراى روند رشد قابل توجهى بوده است. اما با توجه به رشد نقدينگى نقش قرض‏الحسنه پس‏انداز در شبه پول از 9/22% به 5/10% كاهش يافته است. بنابراين ارقام مزبور عدم كارآيى قرض‏الحسنه پس‏انداز را در مقابل بقيه ابزارهاى به كار گرفته شده در جهت جذب منابع نشان مى‏دهد. (33)**

**- يكى از طرق مرسوم در مورد فراهم آورى منابع در بانكدارى بدون ربا، اعطاى جوايز نقدى يا غير نقدى و نيز تسهيلات ويژه مى‏باشد. به طور نمونه بانك صادرات ايران با تخصيص جوايز نقدى و غير نقدى به ارزش يك ميليارد و 200 ميليون تومان به صاحبان سپرده قرض‏الحسنه در سال 1371 موفق شد كه حدود 40% از كل حسابهاى قرض‏الحسنه در سيستم بانكى را در اختيار بگيرد. استفاده از جايزه و تسهيلات ويژه براى جذب منابع در واقع ابزارهايى جهت‏بر انگيختن انگيزه‏هاى مادى در جهت اعطاى وجوه مى‏باشد. در حالى كه ابزارهاى در قرض‏الحسنه كارآمدى لازم را دارند كه بتوانند به بهترين وجه از انگيزه‏هاى معنوى و اخروى در جهت تحقق رفتار منظم صاحبان وجوه استفاده نمايند.**

**- از آنجا كه انگيزه قرض دهندگان در قرض‏الحسنه رفع احتياجات نيازمندان واقعى مى‏باشد و در اين رابطه هيچ‏گونه سودى اخذ نمى‏شود لذا گرفتن ذخيره قانونى از چنين وجوهى در واقع به معناى نرسيدن تمامى منابع اختصاص يافته، به دست نيازمندان مى‏باشد. اين امر، علاوه بر اينكه با انگيزه وام دهندگان تقابل كامل دارد، با اهداف دولت اسلامى كه موظف است در جهت رفع نيازهاى اوليه اقدامات لازم را به عمل آورد، ناسازگار مى‏باشد.**

**(جدول شماره‏2) نسبتهاى سپرده قانونى قرض‏الحسنه پس‏انداز**

**بانكهاى تجارى (1360- 15) (1362- 25) (1370- 30) (1371- 30) (1372- 30) بانكهاى تخصيصى (1360- 15) (1362- 15) (1370- 15) (1371- 15) (1372- 10)**

**ماخذ: گزارش اقتصادى و ترازنامه سال 1372، بانك مركزى، ص 159**

**نتايج‏به دست آمده در مورد عقد قرض‏الحسنه در بانك كشاورزى نشان مى‏دهد كه زمان عقد به درجه و تعداد دواير هر شعبه بستگى داشته و با زياد شدن دوايرى زمان عقد به طور متوسط زياد مى‏شود. ميانگين زمان هر عقد قرض‏الحسنه 926 دقيقه است. اين در حالى است كه صندوقهاى قرض‏الحسنه محلى يا مستقر در مساجد به علت اينكه گروه كوچكى را خدمت مى‏دهند مى‏توانند بسيارى از هزينه‏هاى مربوط به كسب اطلاعات را صرفه جويى كنند.**

**صندوقهاى قرض‏الحسنه**

**اولين صندوق در سال 1347 در يكى از مساجد تهران تشكيل شد. سرمايه اوليه آن 14 هزار تومان بود (34) كه ابتدا به عنوان صدقات جمع آورى شده، سپس تصميم گرفته مى‏شود كه جهت پرداخت وامهاى بدون بهره به كار گرفته شود. پيش از پيروزى انقلاب تعداد اين صندوقها به 200 رسيد و بعد از پيروزى تا سال 1365 به بيش از 2500 صندوق رشد يافت. (35) بروز بعضى از مسايل سياسى - اقتصادى در سال 1367 موجب ركود قابل توجهى در فعاليت اين صندوقها شد. تا قبل از سال 1363 بانك مركزى هيچ گونه نقشى در مورد صندوقها نداشته است. اما در مورخ 18/12/63 طبق تصويب نامه هيات وزيران، وزارت كشور و بانك مركزى جمهورى اسلامى ايران ماموريت‏يافتند تا بر عمليات جارى صندوقها نظارت نمايند. البته تصويب نامه مزبور در تاريخ 8/8/1370 توسط هيات وزيران لغو شد. (36) در سال 1367 شوراى پول و اعتبار با صدور اعلاميه‏اى صندوقهاى قرض‏الحسنه را جزو مؤسسات اعتبارى غير بانكى شناخته و آنها را ملزم به رعايت مقررات موجود نمود. (37) در تاريخ 24/10/1367 مقررات مربوط به فعاليت صندوقهاى قرض‏الحسنه در دستور كار شوراى پول و اعتبار قرار گرفت كه در 29 ماده به تصويب رسيد. (38) اما به دلايل زير مصوبه مزبور در عمل تاثيرى بر نظارت فعاليت صندوقها نداشت.**

**- سنخيت نداشتن دخالتهاى شديد و مستقيم دولت در حركتهاى خود جوشى همچون فعاليت صندوقها**

**- تحقق نداشتن بعضى از خدمات بانكى و يا تسهيلات وام دهى كه بايد به صندوقها اعطا مى‏شد.**

**يكى از تشكيلات مرتبط با صندوقهاى قرض‏الحسنه، سازمان اقتصاد اسلامى مى‏باشد. هدف اين سازمان مطابق با ماده سوم اساسنامه آن، تحقق بخشيدن به انجام كليه عمليات اقتصادى و مالى با حفظ موازين شرعى و رعايت قوانين و مقررات جمهورى اسلامى است. در اوايل سال 1359 اين سازمان هماهنگى صندوقها را به عهده گرفت و براى اين منظور از ابزارهايى همچون تهيه فرمهاى مورد نياز و لوازم ادارى و آموزشى كارمندان و پرداخت وامهاى بدون بهره و بدون كارمزد استفاده مى‏نمايد. به دليل غير دولتى بودن اين سازمان كه سنخيت‏بيشترى با فعاليتهاى خود جوش قرض‏الحسنه داشته و نيز عملى شدن تسهيلات مزبور، موفقيتهايى جهت هماهنگ كردن اين فعاليتها داشته است. اما سازمان مزبور به عنوان يك شركت‏سهامى عام مى‏باشد و فعاليت اصلى خود را در امور تجارى انجام مى‏دهد. چنانكه در گذشته مطرح شد ماهيت قرض‏الحسنه به صدقه نزديكتر است. لذا به نظر مى‏رسد كه اگر تشكيلات هماهنگ كننده قرض‏الحسنه كاملا غير انتفاعى باشد با ماهيت آن سازگارتر است. علاوه بر اين. هيچ گونه تضمينى در مورد هماهنگى سازمان مزبور با سياستهاى دولت پيش بينى نشده است. از مزايا و ويژگيهاى خاص صندوقها مى‏توان به جذب سپرده‏ها و پس‏اندازهاى كوچك مردم، پرداخت وام به نيازمندان، كاستن فشار متقاضيان قرض‏الحسنه به بانكها، افزايش روحيه تعاون مالى و خود گرايى، وجود نداشتن بوروكراسى و ارايه خدمات در ساعاتى از روز كه بانكها تعطيل مى‏باشند، نام برد. همچنين صندوقها به دليل محلى بودن جهت گرد آورى اطلاعات، هزينه بسيار پايين‏ترى را متحمل مى‏شوند. البته صندوقها براى جذب منابع از ابزارهايى استفاده مى‏كنند كه نزديكترين آنها به ماهيت قرض‏الحسنه، تخصيص وجوهى است كه تا زمان معين و يا به صورت نا محدود جهت اعطاى قرض‏الحسنه مسدود مى‏شود. اما اين قسمت از وجوه درصد زيادى از فعاليت آنان را تشكيل نمى‏دهد و معمولا سعى مى‏شود، از وجوه سپرده گزاران عادى استفاده شود.**

**طرح پيشنهادى در مورد نظام هماهنگ كننده فعاليتهايى مرتبط با قرض‏الحسنه (39)**

**ابزارها:**

**الف) اوراق قرض‏الحسنه:**

**اين اوراق كه مى‏تواند توسط بانك مركزى چاپ و يا مورد تاييد قرار گيرند، داراى مبلغ و مدت معين هستند. در صورتى كه موضوع (ازدواج، مسكن و...) در روى آن درج شود در بر انگيختن انگيزه جهت اختصاص وجوه مؤثرتر است. اين اوراق توسط كميته امداد، بانكها و صندوقها قابل عرضه مى‏باشند ولى تمامى وجوه بايد به حساب خاص كميته امداد واريز شود. در اوراق مزبور تضمين مى‏شود كه وجوه تخصيص يافته در مدت تعيين شده به قرض دهنده باز پرداخت مى‏شود. باز پرداخت اين وجوه از طريق بانكها يا كميته امداد ميسر مى‏گردد. (40)**

**ب) قبوض قرض‏الحسنه:**

**در هنگام اعطاى وام دفترچه‏هايى ارايه مى‏شود كه هر برگ آن به شكل قبض دو يا سه قسمتى است كه قسمتى از آن به صندوق مربوطه و قسمتى به كميته امداد مى‏رود [مانند قبوض برق و تلفن] اين قبوض توسط بانكها نيز قابل دريافت هستند.**

**نقش نهادهاى شركت كننده در طرح پيشنهادى**

**الف: نقش كميته امداد امام خمينى**

**كميته پس از تنظيم شرايط خاص، آمادگى خود را براى ارايه تسهيلات وام به صندوقهايى كه داراى شرايط مزبور باشند اعلام مى‏دارد. اين شرايط مى‏تواند شامل سقف وام اعطايى به متقاضيان موارد خاص (ازدواج، مسكن، اشتغال و...)، كاركرد گذشته صندوق در اعطاى وام و... باشد. مديريت اين طرح به عهده كميته مى‏باشد و در واقع كميته نقش هماهنگ كننده فعاليتهاى قرض‏الحسنه را ايفا مى‏كند.**

**ب: نقش صندوقها**

**با توجه به اينكه در قرض‏الحسنه احراز نيازمند بودن متقاضى وام لازم است، بايد از متقاضى اطلاعات متناسب با مورد وام جمع آورى شود. صندوقها به دليل كوچك بودن تشكيلات، اطلاعات دقيق‏تر و; هزينه كمترى به دست مى‏آورند. پس از جمع آورى اطلاعات و مدارك لازم، صندوق مبادرت به اعطاى وام مى‏نمايد. باز پرداخت وام توسط هيئت امناى صندوق تضمين مى‏شود. صندوقها همچنين مى‏توانند عرضه كننده اوراق قرض‏الحسنه و دريافت كننده اقساط وام از طريق قبوض باشند. (41)**

**نقش نظام بانكدارى بدون ربا**

**يكى از مشكلات سيستم قرض‏الحسنه، ضمانتى است كه بايد نسبت‏به باز پرداخت وام وجود داشته باشد، ارائه و يا تاييد اوراق قرض‏الحسنه توسط نظام بانكى متضمن چنين اطمينانى است. البته اين اوراق هم چون اوراق بهادارى مانند سفته مى‏باشد كه دولت‏خود باز پرداخت وجوه را تضمين نمى‏كند، بلكه طرف قرارداد كميته امداد است. كميته نيز از طريق هيئت امنايى كه به آنها تسهيلات وامى ارائه مى‏كند، ضمانت را به عهده مى‏گيرد. جمع آورى اقساط نيز يكى از مشكلات ديگر صندوقها مى‏باشد. به دليل نداشتن شعبه و نيز محدوديت‏ساعات كار، مشتريان فرصت كمترى براى پرداخت اقساط دارند. بانكها نيز مى‏توانند جهت دريافت اقساط اقدام نمايند.**

**نتيجه گيرى**

**- «انگيزه معنوى و اخروى وام دهنده‏» و «نيازمند بودن وام گيرنده‏» به عنوان دو ركن اساسى، نقش مهمى در تبيين و پيش بينى اثرات اجتماعى - اقتصادى قرض‏الحسنه دارد.**

**- يكى از آثار اجتماعى قرض‏الحسنه كاهش فاصله طبقاتى است. اين مهم در «صندوق تعاون قرض‏الحسنه‏» كه بين افرادى با سطح درآمد يكسان شكل مى‏گيرد، با تثبيت درآمد به دست آمده در اين قشر ظاهر مى‏گردد و از تشديد فاصله طبقاتى جلوگيرى به عمل مى‏آورد. اما صندوق معاونت قرض‏الحسنه كه در آن گروهى از اغنيا قسمتى از در آمد خود را به اين امر اختصاص مى‏دهند، كاهش فاصله طبقاتى به صورت عمودى صورت گرفته و موجب انتقال درآمد به طبقه كم درآمد مى‏شود.**

**- از بارزترين اثرات مثبت قرض‏الحسنه بر متغيرهاى اقتصادى، اثر آن بر پس‏انداز است. قرض‏الحسنه از ديدگاه وام دهنده مسلمان، به جهت آنكه در آن باز پرداخت اصل سرمايه تضمين مى‏شود، نوعى پس‏انداز فردى است كه اگر چه داراى سود مادى ندارد، ولى به جهت پاداشهاى اخروى داراى باز دهى معنوى مى‏باشد. با توجه به دومين ركن قرض‏الحسنه، وجوه مزبور بايد در جهت رفع نيازهاى ضرورى صرف شود. در شرايط كنونى بر طرف نمودن چنين نيازهايى متكى بر خريد كالاهاى بادوام مى‏باشد. از طرفى مى‏دانيم كه خريد كالاهاى مصرفى بادوام، به معناى افزايش مخارج مصرفى (و نه مصرف) مى‏باشد، كه در نزد وام گيرنده نوعى پس‏انداز محسوب مى‏گردد. بديهى است، از جهت كلان نيز مى‏توان پيش بينى كرد كه كاركرد نهاد قرض‏الحسنه موجب افزايش پس‏انداز ملى گردد. اما اگر قرض‏الحسنه در امور توليد باشد، تبديل به كالاهاى سرمايه‏اى شده و از طريق افزايش سرمايه‏گذارى، پس‏انداز ملى را بالا مى‏برد.**

**- در مورد اثر قرض‏الحسنه در بخش پولى اقتصاد، با تحليل علمى مى‏توان ثابت كرد; در صورتى كه فعاليت اين نهاد محدود به همين رفتار و نيز ابزارهاى متناسب با آن باشد، تاثيرى در افزايش حجم نقدينگى نخواهد داشت. از طرفى تاثير قرض‏الحسنه بر سطح عمومى قيمت‏ها، با توجه به كشش عرضه كل قابل بررسى است.**

**- در مورد كاركرد تشكيلات كنونى مرتبط با قرض‏الحسنه با بررسى محاسن و معايب آنها مى‏توان به نامتناسب بودن بعضى ابزارهاى به كار گرفته شده با ماهيت قرض‏الحسنه**

**و نيز عدم كار آمدى آنها از جهت كيفيت و كميت فراهم آورى منابع و تخصيص بهينه آنها، مبتنى بر دو ركن اساسى قرض‏الحسنه، پى برد. در اين راستا لازم است كه با توجه به قابليت اين نهاد از جهت گسترش و فراگيرى، اقدامات لازم به عمل آيد. در اينجا به طور اجمال و گذرا به ارايه طرحى در اين باره اشاره شده است كه تفصيل آن مجال ديگرى را مى‏طلبد.**

**فهرست و منابع**

**الف - منابع فارسى و عربى**

**- امام خمينى، تحرير الوسيله، مكتبة العلمية الاسلامية.**

**- ابراهيمى، محمد حسين; ربا و قرض، دفتر تبليغات اسلامى، قم.**

**- ابراهيمى، محمد حسين، قرض‏الحسنه، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ اول، 1371.**

**- تقوى، حيدر، جمع اخلاق و اقتصاد در اسلام; ترجمه حسن توانايان فرد; چاپ اول; 1366.**

**-حر عاملى، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، داراحياء التراث العربى، بيروت، لبنان.**

**- دفتر همكارى حوزه و دانشگاه; درآمدى بر اقتصاد اسلامى; چاپ اول; تهران.**

**- دفتر اقتصاد كلامن، بررسى عمليات صندوقهاى قرض‏الحسنه، سازمان برنامه و بودجه، 1370.**

**- رجائى، مهدى، طرحى ابزارهاى مالى در نظام مالى بدون ربا، پايان نامه كارشناسى ارشد علوم اقتصادى مؤسسه آموزش و پژوهشى امام خمينى.**

**- زندى حقيقى; منوچهر، اقتصاد ماليه عمومى، انتشارات مدرسه عاليه بيمه ايران، چاپ ششم، 1355.**

**- السنهورى، عبدالرزاق، الوسيط، دارحياء التراث العربى، بيروت.**

**- سازمان اقتصاد اسلامى، صندوقهاى قرض‏الحسنه در ايران، تهران، 1364.**

**- صدر، سيد كاظم; آثار اقتصادى رفتار و عقد قرض‏الحسنه; مجموعه سخنرانيها و مقالات ششمين سمينار بانكدارى اسلامى; بانك مركزى، 1374.**

**- علاءالدين المنقى بن حسام‏الدين الهندى، كنترل الحتمال، مؤسسة الرسالة، بيروت: 1409 ه.ق**

**- عبداللهى، محمود، مبانى قهى اقتصاد اسلامى، 1371.**

**- عسگرى، على، بررس نقش و اثرات صندوقهاى قرض‏الحسنه در سيستم پولى و بانكى كشور، پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه تهران، دانشكده اقتصاد، 1369، ص 141**

**- عسگرى، جعفرى، بررسى عملكرد صندوقهاى قرض‏الحسنه در ايران [مقاله]، دومين سمينار سياستهاى پولى و ارزى، مؤسسه تحقيقاتى پولى و بانكى، تهران، ارديبهشت 1371.**

**- تبانچى، حسين السيد على، شرح رسالة الحقوق، اسماعيليان، چاپ دوم، قم: 1406 ه.ق**

**- كاتوزيان، ناصر، حقوق مدنى [دوره عقود معين (1)]، شركت انتشارا، چاپ چهارم، 1371.**

**- كميجان، اكبر و عسگرى، على، تشكيلات و عملكرد صندوقهاى قرض‏الحسنه و جايگاه آنها در سيستم پولى و بانكى كشور، مجله تحقيقات اقتصادى; مؤسسه توسعه و تحقيقات اقتصادى دانشگاه تهران; شماره 44، 1370.**

**- كميته امداد امام خمينى; گذارش آمارى سال 1374، معاونت پژوهشى و برنامه ريزى اداره كل آمار تحقيق و خدمات ماشينى**

**- لستر وچندى، اقتصاد پول و بانكدارى، ترجمه: اديب سلطانى، شريف; نشريه شركت آلونو ميكا; چاپ گيلان; 1346.**

**- ماجدى، على و گلريز، حسن; پول و بانك; مركز آموزش علوم بانكدارى بانك مركزى; 1367.**

**- محمدى، ولى الله، بانك و عمليات بانكى، مؤسسه عالى حسابدارى، تهران / 1347.**

**- مشكوة، محمد، بانك; انتشارات مدرسه عالى بازرگانى، تهران/ 1355.**

**- منكيو، گريكورى; اقتصاد كلان; ترجمه: برادران شركاء، حميد رضا و پارسانيان، على; انتشارات دانشگاه علامه طباطبائى، تهران/ 1374.**

**- نمازى، حسن، نظامهاى اقتصادى، دانشگاه شهيد بهشتى، 1374.**

**- هادوى نيا، على اصغر; در آمدى بر جايگاه قرض‏الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادى آن; پايان نامه كارشناسى ارشد علوم اقتصادى; دانشگاه مفيد; 1376.**

**ب - منابع لاتين**

**- The new palgrave dicticary of maney and finance; The Macminanpress; 1992.**

**- Introduction to Economic principles; Rodney H. Madray & HolleyH. ulbricw; Mc GRAW-HIll book company; 1997.**

**- David W. pearce; Macmillan Dictionary of Modern Economics,Macmillan Reference Books; 1987.**

**پى‏نوشتها:**

**1- عضو هيات علمى و دانشيار دانشكده اقتصاد دانشگاه تهران.**

**2- پژوهشگر همكار دانشگاه مفيد.**

**3- اين مقاله بر اساس رساله كارشناسى ارشد على اصغر هادوى‏نيا تحت عنوان «در آمدى بر جايگاه‏قرض‏الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادى آن‏» به راهنمايى آقاى دكتر كميجانى استخراج و تنظيم مجدد شده است. اين رساله در دانشكده اقتصاد دانشگاه مفيد (قم) در تاريخ 13/9/76 دفاع شده است.**

**4- طبرسى، ابى على الفضل بن الحسين، مجمع البيان، دارالمعرفة، بيروت، 1408 ه. ق، ج 2، ص 606.**

**5- امام خمينى، تحرير الوسيله، مكتبة العلميه الاسلامية، بى چا، ج 1، ص 652.**

**6- مجلسى، محمدباقر، مرآة العقول، دارالكتب الاسلامية، چاپ اول، تهران: 1366، ج 19، ص 424، ح 47.**

**7- قبانچى، حسين السيدعلى، شرح رسالة الحقوق، اسماعيليان، چاپ دوم، قم: 1406 ه. ق، ج 2، ص 270.**

**8- ابراهيمى، محمدحسين، ربا و قرض، دفتر تبليغات اسلامى قم، قم، بى چا، ص 126.**

**9- حر عاملى، محمدبن الحسن، وسائل الشيعه، دار احياء التراث العربى، بيروت، 1403 ه. ق. ج‏13، ص‏96، ح‏9.**

**10- همان، ج‏13، ص‏91 و ج‏6، ص‏206; شيخ طوسى، تهذيب الاحكام، دارالكتب الاسلامية، قم: 1364 ه. ش / 1390 ه. ق، ج 6، ص 187.**

**11- قندى، محسن، مددكارى اجتماعى، انتشارات عطايى، تهران: 1374، ص 9.**

**12- نمازى، حسين، نظامهاى اقتصادى، دانشگاه شهيد بهشتى، 1374، چاپ اول، ص 82.**

**13- روش اتخاذ شده در اين بحث‏بدين گونه است كه با استفاده از بعضى نظريات اقتصاد كلاسيك به شناسايى متغير اقتصادى مورد نظر پرداخته مى‏شود. سپس با توجه به الگوى فرضى قرض، اثر آن بر متغير مزبور تحليل مى‏گردد. البته نظريات اقتصادى انتخاب شده مبتنى بر فروضى است كه اگر چه مد نظر بوده‏اند، اما به جهت رعايت اختصار و با اتكا بر دانش قبلى خوانندگان و ارجاعات مناسبى كه صورت گرفته از ذكر آنها اجتناب شده است .**

**14- Economics,paul A. samalson & Willam D Nordhous; Fourtenth Edition; Mc Graw - Hill;1991; P: 443**

**15- ر.ك: دورنبوش، روديگر، فيشر استانلى، اقتصاد كلان، ترجمه: تيز هوش، تابان، محمد حسين، سروش، چاپ اول، تهران، 1371، ص 281.**

**16- ر.ك: اخوى، احمد، اقتصاد كلان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهاى بازرگانى، ويرايش دوم، چاپ اول، 1374، ص 71.**

**17- هادوى نيا، على اصغر، درآمدى بر جايگاه‏قرض‏الحسنه در اسلام و اثرات اقتصادى آن، پايان نامه كارشناسى ارشد، دانشگاه مفيد، 1376، ص 66.**

**18- همان، ص 70.**

**19- ر.ك: رادمنش، غلامحسين، پس‏انداز در اقتصاد جديد، چاپ اول، تهران: 1343، ص 93.**

**20- مراد از كنز استفاده از درآمد جهت كسب سود از طريقى غير از سرمايه‏گذارى است.**

**21- ر.ك: هادوى نيا، على اصغر، ص 74.**

**22- ر.ك: نمازى، حسين، نظامهاى اقتصادى، پيشين، ص 245.**

**23- منتظر ظهور، محمود، اقتصاد، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، 1367، ص 266.**

**24- نمازى، حسين، نظامهاى اقتصادى، پيشين، ص 250.**

**25- ر.ك: هادوى نيا، على اصغر، ص 99.**

**26- - Quantity Equation: M.V P.T; M mm.H**

**27- - Money Base; High - Powered Money (H).**

**28- - Money Multipliey (mm).**

**29- - Velocity of Circulation (v).**

**30- كميته امداد امام خمينى، گزارش آمارى سال 1374 معاونت پژوهشى و برنامه ريزى اداره كل آمار تحقيق و خدمات ماشينى، ص 244**

**31- كميته امداد امام خمينى; گزارش آمارى سال 1374; پيشين; ص 223**

**32- بانك مزكزى ايران; گزارش اقتصادى و ترازنامه سال 1374; پيشين; ص 223**

**33- ر. ك: معاونت امور اقتصادى وزارت امور اقتصادى دارايى; سياستهاى پولى انتخاب ابزارى به عنوان جايگزين سياست انتشار خريد و فروش اوراق قرضه با توجه به موازين اسلامى; تهران، 1373; ص 65**

**34- سازمان اقتصادى اسلامى ايران، صندوقهاى قرص‏الحسنه در ايران; تهران; 1364; ص‏9**

**35- سازمان اقتصاد اسلامى ايران، قرض‏الحسنه; نشريه شماره 8، اسفند 1365; تهران; ص‏9**

**36- عسگرى، جعفر; بررسى عملكرد صندوقهاى قرض‏الحسنه در ايران; دومين سمينار سياستهاى پولى و ارزى; مؤسسه تحقيقات پولى و بانكى; تهران; ارديبهشت 1371; ص 30**

**37- همان مدرك; ص 31**

**38- عسگرى، على; بررسى نقش و اثرات صندوقهاى قرض‏الحسنه در سيستم پولى و بانكى كشور، پيشين**

**39- آنچه در اينجا ارائه مى‏گردد دورنمايى از يك طرح پيشنهادى براى هماهنگ كردن فعاليتهاى تشكيلات كنونى مرتبط با قرض‏الحسنه و كار آمدتر كردن آنها از حيث كيفى و كمى مى‏باشد. بديهى است كه اختصار مجال تبيين لازم در اين خصوص را نمى‏دهد. اما تلاش شده است كه با ارجاعات مناسب، اين نقيصه تا حدودى بر طرف گردد.**

**40- هادوى نيا، على اصغر، ص 161.**

**41- همان، ص 168.**